

تبیین و ارزیابی چگونگی بازتاب شاخص‌های هویت‌بخش معماری تیموری در بناهای معاصر سه کشور شرق خراسان بزرگ، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان

چکیده

هویت و معماری برخوردار از هویت ملی و منطقه‌ای مسئله‌ای است که در سال‌های اخیر و در همه کشورها مورد توجه خاص قرار گرفته است. در شرایط کنونی و با وجود جریاناتی که به دنبال معماری خودی هستند، تبیین چگونگی اثرپذیری آثار معماری معاصر از آثار معماری ماقبل خود به ویژه آن دسته از آثاری که در زمینه تاریخی-فرهنگی یکدیگر قرار دارند، بسیار مهم و حائز اهمیت است. لذا در این پژوهش با بررسی ویژگی‌های مهم و تأثیرگذار و اجزای درون‌متنی هویت‌ساز در سنت معماری تیموری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سنت‌های معماری در خراسان بزرگ و در کشورهای حوزه‌ی تمدنی آن، و در بناهای شاخص این دوره در کشورهای مورد مطالعه، تلاش شده تا بصورت منسجم به بیان چگونگی و مراتب ارتباط میان سنت معماری تیموری با آثار معماری معاصر و بر اجزا و لایه‌های مختلف آن، پرداخته شود. در این تحقیق و به واسطه‌ی بررسی‌های کتابخانه‌ای و با مطالعه‌ی اسناد تاریخی و منابع متعدد دیگر، از روش تحقیق کیفی با استفاده از تدابیر چندگانه تحلیلی-توصیفی و روش تاریخی-تفسیری و روش مقایسه‌ای استفاده شده و جامعه آماری بناهای معاصر عمومی سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بناهای معاصر در این کشورها با تلاش به ترکیب لایه‌های مختلف در معماری بنا به برقراری مکالمه و ارتباط با سنت معماری تیموری پرداخته‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی شاخص‌های هویت‌بخش معماری تیموری در بناهای عمومی معاصر سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان.
۲. مقایسه‌ی چگونگی ارتباط در لایه‌های مختلف میان سنت معماری تیموری و آثار معماری معاصر در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان.

سؤالات پژوهش:

۱. بازتاب شاخص‌های هویت‌بخش سنت معماری تیموری در بناهای عمومی معاصر سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، چگونه است؟
۲. مراتب ارتباط در لایه‌های مختلف و میان سنت معماری تیموری و آثار معماری معاصر در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه‌ها: معماری معاصر، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، معماری تیموری.

مقدمه

چالش هویت و معماری برخوردار از هویت ملی و چگونگی بازگشت به هویت و ارزش‌ها و سنت‌های بومی و ملی به ویژه در معماری امروز از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا بررسی چگونگی ارتباط و تأثیرپذیری آثار معماری از سنت‌ها و چگونگی بهره‌گیری از راهکارهای معماری گذشته و تأثیر از سنت‌ها در معماری معاصر، در کشورهایی که به جهت پیشینه دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر هستند، می‌تواند در ارائه راهکار، موثر و مناسب باشد.

کشورهای شرق خراسان بزرگ (آسیای میانه) از دیرباز یکی از مراکز مهم تمدنی جهان به شمار می‌آمده و نقش مهمی در شکل‌گیری و تحول آن در طول توسعه تاریخی، فرهنگی بازی کرده‌اند. بررسی پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که کشورهای این منطقه و به تبع آن معماری آنها تحت تأثیر دو سنت بزرگ معماری بوده و از این دو سرچشمه سیراب شده‌اند، معماری ایرانی - اسلامی و معماری روسی یا شوروی سابق، این امر خود باعث بروز جابجایی‌های متوالی میان اندیشه‌های نوگرا و سنت‌گرا، در دوره‌های متوالی بر معماری معاصر این کشورها بوده است. با این توضیحات به نظر می‌رسد، شناسایی چگونگی تجلی هویت ملی در آثار معماری معاصر این کشورها از طریق شناسایی نحوه ارتباط و اثرپذیری آثار از سنت‌های بومی می‌تواند راهگشا باشد. ضمن آنکه بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حوزه‌ی معماری تاکنون پژوهشی منسجم در خصوص بیان چگونگی ارتباط میان آثار معماری معاصر با آثار و سنت‌های ماقبل خود و تبیین چگونگی این ارتباط و شناخت تأثیر سنت‌های معماری بر آثار مختلف و بر اجزا و لایه‌های مختلف آن و میزان پیروی این آثار از اصول و رویکردهای شناخته شده در این خصوص و به صورت خاص در کشورهای آسیای مرکزی، انجام نپذیرفته است. بر این اساس این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این سوالات است که: "سنت معماری تیموری چگونه با آثار معماری معاصر در کشورهای شرق ایران بزرگ، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، ارتباط داشته و بر آن تأثیر گذاشته است؟" و "مراتب این ارتباط در لایه‌های مختلف میان سنت معماری تیموری و آثار معماری معاصر در سه کشور مورد مطالعه چگونه تبیین شده است؟"

در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق و مسئله و سؤالات مطرح شده در خصوص آن، از روش تحقیق کیفی با استفاده از تدابیر چندگانه، توصیفی-تحلیلی (به دلیل لزوم تحلیل و گونه‌بندی بناها)، روش تاریخی-تفسیری (به دلیل وجود داده‌هایی مربوط به گذشته) و روش مقایسه‌ای استفاده شده است. به این منظور در ابتدا با توجه به مطالعات انجام شده به شکل مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، رویکرد بینامتنیت به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب و بر این اساس جدول اجزای درون متنی معماری جهت ارزیابی و تعیین لایه‌های هویت‌ساز آثار موجود در سنت معماری تیموری در کشورهای مورد مطالعه، به روش تاریخی-تفسیری، تهیه گردید. در مرحله بعد آثار معماری معاصر در سه کشور، با فرض وجود ارتباط بینامتنی با بناهای سنت معماری تیموری گزینش و اطلاعات آن‌ها نیز در جدول اجزای درون‌متنی قرار داده شده و بر اساس روش مقایسه‌ای، نوع اجزای درون متنی هویت‌ساز آن‌ها مشخص

گردید. در انتها و به منظور تدوین و مقایسه چگونگی ارتباط میان بناها مدل مفهومی تحقیق، بر اساس روش توصیفی-تحلیلی، تدوین گردیده و به این شکل به سؤال اصلی این پژوهش پاسخ داده خواهد شد.

مطالعاتی که رویکرد آن‌ها و یا داده‌های ارایه شده توسط آن‌ها می‌توانست به پیشبرد این مقاله کمک نماید را می‌توان به چند حوزه تقسیم نمود: الف) کتاب‌های تاریخ کلی یا تاریخ اجتماعی که به بیان وقایع تاریخی و سیمای اجتماعی و سیاسی این کشورها می‌پردازد. از جمله کتاب‌های ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان از مجموعه کتاب-های چاپ شده توسط وزارت امور خارجه در ایران که به بررسی همه‌جانبه‌ی هریک از این کشورها می‌پردازد. و کتاب ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، نوشته‌ی علیرضا شیخ عطار که توسط انتشارات وزارت امور خارجه به تبع رسیده و به بیان وقایع سیاسی و تاریخی این کشورها می‌پردازد. ب) کتب تاریخ معماری با تاکید ویژه بر تاریخ معاصر این کشورها همچون کتاب Soviet Modernism نوشته Isabella Marboe که تمامی آثار معماری شوروی سابق را در کلیه کشورهای این اتحادیه بررسی و ارائه نموده است. ج) کتب مرتبط با مفاهیم و ادبیات و نظریات ارایه شده در باب مفهوم بینامتنیت همچون بینامتنیت زبان انتقادی جدید نوشته گراهام آلن و کتاب‌های نظریه‌های بینامتنیت نوشته دکتر بهمن نامور مطلق و کتاب بینامتنیت نوشته گراهام آلن که در این کتاب‌ها به چگونگی پیدایش این نظریه و معرفی نظریه‌پردازان مهم پرداخته و در مواردی به کاربرد آن در نقد نیز اشاره می‌شود. د) رساله‌های دوره دکتری تخصصی؛ به‌عنوان مثال: رساله دکتری با عنوان: "تبیین ارتباط‌های بینامتنی در معماری معاصر ایران از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰، بررسی نقش معماری غرب و معماری ایرانی در دوره معاصر"، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، نگارش مازیار قاسمی نیا. که به دنبال شناخت چگونگی ارتباط میان معماری غرب و معماری معاصر ایران از طریق مناسبات بینامتنی است. یا رساله دکتری با عنوان: "استفاده و اقتباس از گذشته در طراحی معماری به‌سوی یک مدل طراحی تکاملی"، در دانشگاه دلفت هلند، نگارش کارینا مورا رززار. که در تلاش برای کمک به استفاده مجدد و خلق طرح‌های پیشین معماری با معرفی یک مدل جدید است.

ه) رساله‌های دکتری در دانشگاه‌های روسیه و کشورهای مورد مطالعه و مقالات علمی و پژوهشی مرتبط با معماری معاصر این کشورها و سایر مقالات مرتبط با این موضوع که در نشریات معتبر به چاپ رسیده است. از جمله، Modern architecture in Uzbekistan که به بیان ویژگی‌های دوره‌های معماری معاصر و بیان خصوصیات کلی بناها می‌پردازد یا The way of the development of architecture of independent Uzbekistan که به بررسی و تجزیه و تحلیل توسعه‌ی معماری و شهرسازی ازبکستان از دوران باستان تا قرن ۲۱ با هدف ارائه‌ی توصیه‌های علمی برای بهبود ساختار شهر می‌پردازد. و Architecture in Europe and the former Soviet union که به بررسی تحولات و دگرگونی‌های مشترک در زبان معماری و بناهای این کشورها می‌پردازد که نتیجه‌ی تغییرات سیاسی و تاریخی این منطقه است.

همانگونه که اشاره شد، بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه‌ی معماری تاکنون مطالعه‌ای منسجم در خصوص بیان چگونگی ارتباط میان آثار معماری معاصر با آثار و سنت‌های ماقبل خود و تبیین چگونگی این ارتباط و شناخت تأثیر سنت‌های معماری بر آثار مختلف معماری معاصر و بر اجزا و لایه‌های مختلف آن و به صورت خاص در کشورهای آسیای مرکزی، انجام نپذیرفته است.

از آنجا که این پژوهش تلاش می‌کند تا چگونگی بازتاب سنت معماری تیموری را در آثار معماری معاصر کشورهای شرق خراسان بزرگ بررسی کند، لذا سنت معماری تیموری در این مقاله، به عنوان متغیر مستقل و معماری معاصر کشورهای شرق خراسان بزرگ (ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان) به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است. شناخت لایه‌ها و اجزای درون‌متنی مهم و هویت‌ساز سنت معماری تیموری و اجزای آن به عنوان زیر مجموعه متغیر مستقل این پژوهش بوده و آثار معماری معاصر از باب بازتاب این سنت‌ها نیز به عنوان زیر مجموعه‌های متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. از این رو ابتدا معماری تیموری به عنوان متغیر مستقل بررسی و به تبیین ویژگی‌های شاخص آثار معماری این دوره پرداخته شده و سپس اجزای درون متنی معماری و نحوه تدوین آن در این پژوهش مورد بررسی و رویکرد مقاله و مدل مفهومی تحقیق بررسی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

انگیزه اصلی از انجام این پژوهش، بررسی چگونگی بازتاب سنت معماری تیموری در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، در بناهای معاصر عمومی این کشورها است. در واقع هدف، نحوه‌ی خوانش دو اثر (متن) در نظام نشانه‌شناسانه‌ی معماری و عناصر و اجزای آنها و ارتباط آنها با یکدیگر و به عبارتی، تبیین چگونگی ارتباط میان آثار معماری با یکدیگر است که در نهایت منجر به خوانش این آثار خواهد شد. بدین ترتیب و با کمک رویکرد "بینامتنیت" که ارتباط میان یک متن با متن دیگر را بررسی می‌کند، تلاش شده تا معادل معماری آن یعنی "بینامعماری" نیز تعریف و در نمونه‌های موردی بررسی گردد. به این منظور از طریق تحلیل نمونه‌های موردی در قالب لایه‌های «نقد بینامعماری» که اساساً منطبق و در راستای هدف اصلی تحقیق انجام پذیرفته است، به جستجوی پاسخی مناسب برای سؤال اصلی پژوهش پرداختیم. نمونه‌های موردی در این تحقیق به صورت هدفمند و با فرض ارتباط (مکالمه) با سنت معماری تیموری انتخاب شدند. هریک از این آثار منتخب معاصر در ارتباط با آثار گزینش شده مورد بحث، ابتدا در جدول اجزای درون متنی و سپس در مدل مفهومی تحقیق مورد خوانش قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از بررسی چگونگی ارتباط بینامتنی در بناهای شاخص معماری تیموری با بناهای عمومی معاصر سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان نشان داد که: تلاش برای برقراری مکالمه در سه کشور مورد مطالعه میان معماری معاصر با آثار معماری تیموری وجود داشته است. بررسی ارتباط در مدل مفهومی نشان می‌دهد که تقریباً در تمامی نمونه‌های مورد بررسی، به غیر از ۳ بنا در ازبکستان و دو بنا در دو کشور دیگر، ارتباط بینامتنی از نوع صریح و آشکار و به شکل ارجاع به عناصر این سنت معماری بوده است. ارتباط ضمنی و پنهان در لایه جزئیات

بروز نموده است و به نظر می‌رسد در آثار معماری معاصر تلاش شده به بازآفرینی و ایجاد شکلی تازه در این لایه‌ها به صورت محدود شده است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که اولویت در ارتباط با لایه‌های نما است. به این ترتیب در هر سه کشور بیشترین ارتباط بینامتنی مربوط به لایه‌های خواص ذاتی نما می‌باشد. در نهایت به نظر می‌رسد بناهای عمومی معاصر با تلاش برای ترکیب و استفاده از بیش از یک لایه از متن (آثار معماری تیموری) جهت برقراری ارتباط، به ارتباط بینامتنی قوی نزدیک‌تر شده‌اند. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که: تلاش برای برقراری مکالمه میان آثار معماری معاصر در سه کشور مورد مطالعه (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان) با آثار سنت معماری تیموری برقرار است.

منابع:

- اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بارت، رولان. (۱۳۷۳). «از اثر تا متن»، ترجمه مراد فرهادپور. ارغنون، شماره ۴، زمستان، ۶۶-۵۷.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای در روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چاپ سوم، تهران: نشر دیدار.
- بلنیتسکی، الکساندر. (۱۳۷۱). خراسان و ماورالنهر (آسیای میانه)، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: دانشکده علوم توانبخشی.
- چنکووا، گالینا آپوگا. (۱۳۸۷). شاهکارهای معماری آسیای میانه، سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی، سید داوود طبایی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ نوزدهم، تهران: سمت.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۵۵). هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، ۱۳۵۵، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دانشدوست، یعقوب. (۱۳۵۹). «هنر معماری ایران در دوره تیموریان»، اثر، شماره ۱، ۹۱-۱۰۲.
- روحی، پویان. (۱۳۹۵). تئوری معماری معاصر، جستارهای انتقادی، ۱۳۹۵، مشهد: کتابکده کسری.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر اگه.
- عابدی، محمد؛ سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۳). تعامل میان سنت و مدرنیته در معماری معاصر کشورهای حاشیه خلیج فارس: نمونه موردی امارات متحده عربی، مجله بین‌المللی تحقیقات در علوم اجتماعی، شماره ۱، ۲۴-۳۴.
- قاسمی‌نیا، مازیار. (۱۳۹۳). تبیین ارتباط‌های بینامتنی در معماری معاصر ایران از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰، رساله دکتری، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید. (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مانزو، ژان پال. (۱۳۸۰). هنر در آسیای مرکزی، مترجم سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، چاپ اول، مشهد: انتشارات به نشر.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱، چاپ دوم، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۵). بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسا مدرنیسم، چاپ اول، تهران: سخن.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه و کاربردها، چاپ دوم، تهران: سخن.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۷). «باختین، گفتگومندی و چندصدایی، مطالعه پیشابینامتنیت باختین»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۷، بهار، ۳۹۷-۴۱۴.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «تأملی بر نظریه بینامتنیت رولان بارت»، روزنامه ایران.

وزارت امور خارجه، ازبکستان. (۱۳۸۶). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

وزارت امور خارجه، تاجیکستان. (۱۳۸۶). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

وزارت امور خارجه، ترکمنستان. (۱۳۸۶). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

ورهرام، غلامرضا. (۱۳۷۲). تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

ویلبر، دونالد؛ گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت اله افسر، محمد یوسف کیانی، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

هیلنبرند، رابرت. (۱۳۸۷). «جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه»، ترجمه داوود اطمیابی، گلستان هنر، شماره ۱۴، ۶۵-۸۲.

Adle, c. (۲۰۰۵). History of civilizations of central Asia ,volume VI, towards the contemporary period, from the mid nineteenth to the twentieth century, paris, the United Nations Educational, Scientific and Cultural.

Akhmedov, M,K, D,A. (۲۰۱۵). Nazarova, The Ways Of The Development Of Architecture Of Independent Uzbekistan, International journal of scientific & technology research, Volime ۴, Issue ۰۳.

Herrmann, Georgina, Coffey, Helena, Laidlaw, Stuart, K. (۲۰۰۲). K, The monuments of Merv, A scanned archive of photographs and plans international Merv project, London, Institute of archaeology university college London.

Gangler, A. (۲۰۱۲). Tashkent in change, Transformation of the urban structure, Research Project Promoted by The VW Stiftung.

Kenes, P. (۱۹۹۹). A history of the Soviet union from the beginning to the end, London, Cambridge university press.

Kimberly E. Zarecor, I. S. (۲۰۱۴). Architecture in Eastern Europe and the Former Soviet Union. In I. S. University, A Critical History of Contemporary Architecture, ۱۹۶۰-۲۰۱۰, Iowa State University, department of architecture, architecture publication.

Knobloch, E. (۱۹۹۲). Monuments of central Asia, A guide to the archaeology, art and architecture of Turkestan, Netherland, I.B.Tauris, ۱۹۹۲.

Lapiduse, Ira, M. (۱۹۸۹). A history of Islamic societies, London, Cambridge university press, ۱۹۸۹.

Lewis, Robert A, Rowland, Richard, Ralph, S C. (۱۹۷۵). Modernization, population change and nationality in Soviet Central Asia and Kazakhstan, Canadian Slavonic paper, No ۱۷.

Manoev, S. (۲۰۱۵). Formation of Architectural Ensembles And Complexes Of Historic Towns Of Uzbekistan, International journal of scientific & technology research, Volume ۴, Issue ۰۳.

Marboe, I. (۲۰۱۲). Soviet Modernism, Architekturzentrum Wien, Vienna, ۲۰۱۲.
paskaleva, e, The city scape of modern central Asia, The study, ۲۰۱۲.

Ritter, K. (۲۰۱۲). Soviet Modernism ۱۹۵۵-۱۹۹۱: Unknown History, Switzerland, Park Books.

Pribytkova, A. (۱۹۷۱). Masterpieces of architecture in central Asia, Moscow, Planeta.

Warikoo, K. (۲۰۰۵). Tradition and Modernity in Uzbekistan, Journal of himalayan research and culture foundation, Ngo in Special Consultative Status with ECOSOC, United Nations, Vol ۹, Nos. ۱-۲.